

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center

Issue # 53

Issue # 55

Parshat Vayeilech, 5782

Erev Yom Kippur, 5782

4 Tishrei, 5782

9 Tishrei, 5782

Sept. 10, 2021

Sept. 15, 2021



Friday, Sept. 10, Light Shabbat Candles, by 6:48 p.m.

Saturday, Sept. 11, Shabbat ends at 7:50 p.m.

Wednesday, Sept. 15, Light Yom Kippur Candles, by 6:41 p.m.

Thursday, Sept. 16, Yom Kippur ends at 7:43 p.m.

(Times are for Los Angeles)

IN LOVING MEMORY OF OUR DEAR MOTHER
Mrs. Homa Taj Esther bat Asher ע"ה Cohen
Passed away on Yom Kippur - 10 Tishrei, 5756

ת. נ. צ. ב. ה.

*

DEDICATED BY HER CHILDREN שיחיו

JEWISH CHILDREN:

Get your own letter
in a Sefer Torah!

<http://www.kidstorah.org>

Mitzvahland

SUKKAH
FACTORY OUTLET

877-505-7700

16733 Ventura Blvd,
Encino CA 91436



Click Sukkah



Bamboo Mat



Lulav & Etrog

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

ויילך

پاراشאי ויילך معمولا در شبات بعد از روش هشانا خوانده می شود. در این مبحث محتوی پاراشا و زمان خواندن آن مورد بررسی قرار گرفته است. در پاراشا آمده است که مُشه بعد از نوشتن تورا آنرا به لوی ها میدهد که آنرا در صندوق عهد (آرون) در محل قُدش قوداشیم قرار بدهند. روش هشانا و روز کیپور در تقویم یهودی از بعد دیگری قُدش قوداشیم هستند. این مبحث معنای (قُدش قوداشیم) را مورد بررسی قرار میدهد و ارتباط آنرا با دنیای خارج توضیح میدهد. آیا مقدس (قُدش) و نامقدس (حول) دو حوزه و قلمرو متفاوت هستند؟ آیا تقدس به مکان و زمان های مخصوصی محدود می شود؟

۱- صندوق عهد، لوحه های تورا و سفر تورا

در پاراشای ویילך مُشه به لوی ایم اینگونه فرمان میدهد. "این کتاب تورا را بگیرد و آنرا در کنار صندوق عهد خالقان^۱ بگذارد..."
در تلمود^۲ دو تفسیر متضاد در مورد عبارت در "کنار صندوق عهد" آمده است. در اولین تفسیر آمده است که منظور از "کنار صندوق عهد" در واقع همان داخل صندوق عهد است و این تورا با لوحه هایی که ده فرمان بر آن حکاکی شده بود در داخل صندوق عهد در قُدش قوداشیم قرار داشتند و در دومین تفسیر آمده است که این تورا در خارج از صندوق عهد بر روی تیکه اضافی که به لبه صندوق عهد نصب شده بود قرار داشت ولی هر دو در این عقیده مشترک هستند که صندوق عهد در محل قُدش قوداشیم جای گرفته بود به این ترتیب سفر تورا کتبی و لوحه های حکاکی شده هر دو در قُدش قوداشیم بودند.

ما می توانیم ببینیم که لوحه ها دارای خصوصیتی مناسب برای قودش قوداشیم بودند. برای آنکه هر دو آنها بصورت معجزه آسا هم در فضا وجود داشتند و هم محلی را در مکان اشغال نمی کردند یعنی ماوراء بعد مکان بودند. صندوق عهد دارای ابعاد فیزیکی بود درازای آن دو متر و هفتاد سانتی متر، پهنای آن یک متر و دوسانتی متر و بلندی آن نیز یک متر و دو سانتی متر بود و از آنجا که میدانیم پهنای قدس القُداس (قُدش قوداشیم) سیزده متر و شصت سانتی متر بوده است و نیز



E-L Office Machines
LA's Easy Office Solution

In Business Since 1990

**SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

میدانیم که صندوق عهد از هر طرف با دیوار قدش قوداشیم شش متر و هشتاد سانتی متر فاصله داشته است. اینگونه نتیجه می گیریم که صندوق عهد هیچگونه مکانی را اشغال نمیکرد. تلمود این تناقض را اینگونه حل می کند^۳ که ما به عنوان سنت از پدرانمان آموخته ایم که مکان آرون در حوزه معیارهایی که ما برای اندازه گیری مکان استفاده می کنیم قرار نداشت. بصورت مشابه کلمات نوشته شده بر روی لوحه های تورا اگر چه کلماتی قابل خواندن بودند و امکان اندازه گرفتن آنها نیز وجود داشت ولی موجودیتی جدا از لوحه ها داشتند و به عنوان مثال حرف میم آخر، که در آخر کلمات می آید، و حرف سلخ، که حروف بسته ای هستند با معجزه بر سر جای خود قرار گرفته بودند^۴ و قطعه سنگی که میان این حروف قرار داشت به هیچ چیز وصل نبوده و در فضا معلق بود به عبارت دیگر این حروف در مکان بودند ولی فضایی را اشغال نمیکردند. ولی ارتباط سفر تورا با محل قدش قوداشیم چگونه بود؟ کلمات تورا با جوهر بر روی پوست نوشته شده بودند و چیز معجزه آسایی در مورد آن وجود نداشت.

۲- (قدش قوداشیم) قدس القداس و جهان

قدش قوداشیم، آنچه را که ماورای بعد مکان و زمان بود را در مکان و زمان شامل میشد. اما هدف نهایی از چنین مکانی آن بود که این معجزه می بایست به طرف بیرون، یعنی به جهان خارج، فرستاده شود. به طرف محل کهنیم، محل اجتماع بیسرائل ها، محل سکونت زنها و بطرف کوهی که بت همیقداش (خانه خداوند) بر روی آن قرار داشت و بسوی تمامی ملت های دنیا به این ترتیب بیسرائل ها و تمامی مردم دنیا آگاه میشدند که بی نهایت می تواند در نهایت یافت بشود و اینکه خداوند در جهان ساکن است.

بنابراین وجود سفر تورا در قدش قوداشیم به عنوان واسطه ای مابین این محل مقدس و جهان بود. لوحه ها و صندوق عهد نشان دهنده هیچ شدن و نیست شدن در مقابل حضور خداوند بودند که مکانی را اشغال نمیکردند. آنها چیزهایی بودند که هیچ شده بودند. اما کلمات تورا که با جوهر بر روی پوست نوشته شده اند قابل لمس بوده و به این ترتیب تورا، واسطه ای بود که از طریق آن نور خداوند به تمامی جهانی که در بعد مکان و زمان وجود داشت میرسد.

۳- روش هشانا و سال نو

در فلسفه حاسیدیم روش هشانا دارای ویژه گی خاصی است. در بقیه روزهای سال ما خداوند

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

هیچگونه تعهدی ندارد که خواسته ما را انجام دهد و به ما بدهکار نیست . بنابراین عدالت اینگونه حکم می کند که ما نیز موظف هستیم حتی اگر چه به هیچ عنوان به دیگران بدهکار نیستیم از مال خود به آنها بدهیم. به این ترتیب ما پاداش خود را برحسب عملی که می کنیم می گیریم. از آنجا که ما بدون قید و شرط به دیگران می دهیم، خداوند نیز برکاتش را همینگونه به ما بدون قید و شرط ارزانی می کند. این موضوع بخصوص در مورد دادن صداقا به انجمن ها و مؤسساتی است که توره در آنها تدریس می شود. بخاطر آن که هر فردی که در این مؤسسات تعلیم می گیرد در واقع همچون زیربنا و اساس جامعه بزرگ یهودیت می باشد و در آینده راهنمایی خواهد بود برای نسل های بعد. و این حاصل صدقایی است که او می دهد.

۵ - سه طریق

این سه مورد راه هایی هستند که به سالی پر از برکت و خوبی برای ما منتهی می شوند. با برگشت به اصل و ذات و بنیان اصلی خود (تشووا) و با وصل کردن، برقراری ارتباط با خداوند (تفیلا) و با دادن مال و دارایی خود به دیگران (صداقا) ما برکات روش هشانا را به برکات حاصل از یوم کپیور وصل می کنیم. به امید سالی پر از شیرینی و فراوانی.
(منبع: لیکوتی سیخوت. فصل ۲ صفحات ۴۱۱ - ۴۰۴)

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 2, pp. 409-411)

را در محدوده منطق خودمان عبادت می کنیم حتی فداکاری و از خودگذشتگی که از خود نشان میدهم بستگی به نیازهایمان دارد. اما در روش هشانا ما به آنچنان حالت نفی از خود میرسیم که کاملا ورای منطق است ما یک هدف منطقی را دنبال نمی کنیم بلکه ما جواب حالتی را میدهم که از منبعی خارج از درک و فهم ما سرچشمه گرفته و در وجود ما ایجاد شده است. این حالت اگر چه به روش هشانا مربوط می شود اما نمی بایست محدود به آن بشود. در بقیه مدت سال نیز زمانی که ما در محدوده منطق و عقل رفتار کرده و زندگی می کنیم ما می بایست این حالت ورای منطق را همیشه همراه خود داشته باشیم . این حالت همچون حالت و شرایط قدس قدشیم (قدس القداس) و کلمات نوشته شده بر روی لوحه ها می باشد. اگر چه آنها در فضا مکان ثابتی داشتند ولی به تمامی جهان نورافشانی میکردند. و اگر چه روش هشانا موقع معینی در زمان برای خود دارد اما تمامی مدت سال از این حالت روحانی این زمان بهره مند می شود.

۴- آماده کی

اما لازمه رسیدن به این حالت داشتن نوعی آمادگی است . و در اولین کلمات پاراشای نیصاویم که قبل از روش هشانا خوانده میشود به این آمادگی اشاره شده است . " امروز ، همگی شما ، در حضور خداوند خالقان ایستاده اید، سران شما، اسباط شما ، پیران شما و پاسبانان شما از چوب بران شما تا آنانی که برای شما آب می کشند". هر فرد یهودی می بایست خودش را به جامعه اش وصل کند حتی "سران اسباط". رهبران اسباط نیز نمی بایست خودشان را جدا از کسانی که برای جامعه آب می کشند، بدانند. لازمه ایجاد وحدت در قوم یسرائل وجود و شرکت داشتن همه یسرائل هاست که در کلمه "همگی شما" نهفته است. فرد یسرائلی که برای یکی شدن و اتحاد با جامعه اش تفاوت های اجتماعی را شکسته، و محدودیت های زمانی را نیز زیر پا می گذارد. روح روش هشانا را وارد بقیه روزهای سال می کند و برکات آنرا به سرتاسر سال گسترش میدهد.
(منبع: لیکوتی سیخوت جلد دوم صفحه ۴۰۸-۴۰۷)

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 2, pp. 407-408)

ده روز تشووا

مطالب زیر به طور کلی در مورد مشکلاتی که در ترجمه بوجود می آید می باشد. عمل ترجمه بر این اصل استوار است که برای هر واژه در هر زبانی می توان معادل آن را در زبان دیگر پیدا کرد. اما این مطلب ممکن است همیشه درست نباشد بخصوص زمانی که ما با ایده ها و مطالبی که دارای اهمیت اساسی هستند و مختص به یهودیت می باشند سر و کار داریم. در این حالت ممکن است ما یک عقیده و یا ایده ای مربوط به یهودیت را به واژه ای از فرهنگ دیگر ترجمه کنیم که این دو با هم اصولاً هم معنا نبوده و یا حتی در تضاد با هم باشند و این در مورد سه موضوع مهم که غالباً در این ده روز تشووا با آنها برخورد می کنیم صادق است که در زبان انگلیسی عبارتند از:

Charity, Prayer, Repentance

توبه، دعا و دستگیری از بینوایان می باشند.

امروزه متوجه می شویم که تا چه اندازه آنها با واژه های معادل شان در یهودیت تشووا، تفیلا و صداقا متفاوت هستند.

۱ – عبادت در این ده روز

ما امیدواریم که خد- اوند در روش هشانا ما را با سالی که پر از خوبی و خوشی است برکت کند سالی پرثمر و پر از سلامتی، فرزندان خوب و کار و کسب خوب.

اما از آنجا که برای خوبی و برکت خد- اوند حدی را نمی توان تصور کرد پس بنابراین در این ده روز تشووا ما دارای این موقعیت و امتیاز خواهیم بود که از طریق عبادتیمان باعث بشویم که خد- اوند با آن دست گشاده اش هنوز هم برکات بیشتری را به ما ارزانی کند.

و این عبادت چگونه است؟ همانگونه که در تفیلاهایمان می خوانیم این عبادت شامل سه عامل اساسی تشووا، تفیلا و صداقا می باشد. اما کلمات انگلیسی توبه، دعا و دستگیری از بینوایان که ترجمه معادل انگلیسی آنها می

شده و نو و تازه بشود و این وظیفه تفیلاست و برای هر فرد یهودی لازم و ضروری است. چرا که در حالیکه ممکن است اشخاصی باشند که چیزی کم ندارند و بنابراین احساس می کنند که احتیاجی نیست که درخواستی از خداوند داشته باشند، انسانی وجود ندارد که احتیاج به نزدیکی به منبع زندگی و آفرینش را احساس نکند.

۴ – صداقا، کمک و دستگیری

کلمه معادل برای دستگیری و کمک از بینوایان، کلمه صداقا نبوده بلکه "خسید" می باشد و این دو کلمه نیز دارای معانی مخالف با یکدیگر هستند.

خسید، کمک و یاری به دیگران که معادل انگلیسی آن:

Charity

می باشد، از یک طرف این مفهوم را می رساند که گیرنده این کمک دارای حق و امتیازی نسبت به این کمک نمی باشد و از طرف دیگر ارائه دهنده این کمک و یاری نیز اجبار و الزامی در ارائه این کمک ندارد. او این کمک را به خاطر خوبی قلب خودش، با گشاده رویی و با دست باز به دیگران عرضه می کند. این عمل او در واقع از نوعی تقوی و حسن نیت او حاصل می شود و نه از روی انجام وظیفه.

از طرف دیگر صداقا به معنای پرهیزکاری، صداقت و یا عدالت است و به طور ضمنی این مفهوم را می رساند که دهنده آن، وظیفه اش را انجام می دهد. به خاطر آن که اولاً: همه چیز این جهان در نهایت، متعلق به خداوند است. تعلق انسان به دارایی اش برحسب حق الهی او نمی باشد. بلکه آنها به وسیله خد- اوند برحسب اطمینان به او واگذار شده اند و یکی از شرایط این واگذاری آن است که او می بایست آنها را به کسانی که به آنها احتیاج دارند بدهد. ثانیاً: انسان موظف است همانگونه که انتظار دارد خد- اوند نسبت به او رفتار کند، نسبت به دیگران رفتار نماید. و همانگونه که ما به خودمان این حق را می دهیم که از خد- اوند درخواست برکت کنیم، خد- اوندی که

طبیعت واقعی انسان.

با این مفهوم در حالیکه برای انسان صدیق احتیاجی به توبه پیش نمی آید و انسان خطاکار ممکن است که نتواند هرگز توبه کند ولی هر دو آنها می توانند و باید تشووا بکنند.^۱

انسان های صدیق و پرهیزکار اگرچه هرگز خطایی مرتکب نشده اند همواره می بایست سعی و کوشش کنند که به اصل و منشأ اولیه خود برگشت کنند. و بعضی انسان ها اگرچه بسیار از خد- اوند دور افتاده اند، همواره می توانند برگشت کنند. چرا که تشووا به معنای ایجاد چیزی نو نمی باشد بلکه به معنای کشف آن ذات خوبی است که همیشه در وجود انسان بوده است.

۳ – تفیلا و دعا

دعا در زبان عبری معادل تفیلا نمی باشد بلکه کلمه معادل آن "بَقاشا" می باشد. این دو کلمه با هم در تضاد هستند. بَقاشا به معنای دعا خواندن، درخواست کردن و التماس کردن است ولی تفیلا به معنای خود را وصل کردن و مرتبط کردن است.^۲

در بَقاشا انسان از خد- اوند می خواهد که خواسته او را انجام بدهد و هرآنچه که او کمبود دارد را فراهم کند. بنابراین وقتی او احتیاجی به چیزی ندارد و یا احساس می کند که خواسته ای از خد- اوند ندارد، بَقاشا دیگر بی مورد می شود و لزومی ندارد. اما در تفیلا، انسان سعی می کند که خودش را به خد- اوند وصل کند و این حرکتی است از پایین، از طرف انسان، به سوی بالا، به طرف خداوند و این حالتیست که برای هر انسانی و در هر زمانی کاربرد دارد و به او مربوط می شود. روح یهودی دارای پیوندیست با خداوند. ولی این روح که در جسم مادی ساکن است اشتغال آن با دنیای مادی، آن پیوند را سست و ضعیف می کند. بنابراین باید این پیوند به طور دائم دوباره تقویت

^۱ - رجوع شود به "کنترس بیکور شیکاگو" صفحه ۲۳

^۲ - رجوع شود به "راشی، برشیت" ۳۰، ۸. اور هتوراه، وِیخی، ۳۸۰ الف

باشد کاملاً گمراه کننده بوده و ما را منحرف می کنند. با ترجمه واژه های عبری تشووا، تفیلا و صداقا به انگلیسی ما به سوی مفاهیم آنها با آنچه که در دنیای خارج از یهودیت از این واژه ها در اذهان است کشیده می شویم که نادرست است. در واقع تفاوت هایی اساسی مابین آنها موجود است. تشووا، توبه نمی باشد.

(Repentance)

تفیلا، دعا و عجز و ناله نیست و صداقا صرفاً به معنای دستگیری از بینوایان نمی باشد.

۲ – تشووا و توبه

کلمه توبه در زبان انگلیسی:

Repentance

معادل کلمه تشووا نمی باشد بلکه معادل آن کلمه:

" خَرَاتا" می باشد و این دو کلمه تشووا و خَرَاتا نه فقط هم معنی نیستند و بلکه کاملاً دارای معانی متفاوت و مخالف هم هستند.

خَرَاتا به معنای پشیمانی و احساس خطا نسبت به گذشته می باشد و داشتن این هدف که در آینده انسان کاملاً به طریق دیگری رفتار کند. شخص تصمیم می گیرد که انسان تازه ای بشود. اما تشووا بر مبنای برگشت است، برگشت به گذشته و به منبع و طبیعت اصلی انسان. زیربنای مفهوم تشووا این حقیقت است که یک فرد یهودی در اصل و بنیان موجود خوبی است. خواسته ها و وسوسه هایی ممکن است او را به طور موقت از این که خودش باشد و با خودش صادق باشد دور کنند. ولی اعمال بدی که او انجام می دهد قسمتی از طبیعت او نیست و حتی بر طبیعت واقعی او نیز تأثیرات بد باقی نمی گذارد. تشووا به معنای برگشت به ذات و صفت واقعی انسان است. در حالیکه خَرَاتا به معنای رها کردن گذشته و آغاز دوباره می باشد. تشووا به معنای برگشت به ریشه های خدایی وجود انسان است و ظاهر کردن آنها به عنوان